یک سلسله اسناد تاریخی

میرزاقهرمانی، شرف الدین

بعد از چنین مراجعت خان مذکور باز بنا بگفتگو بنی الامنا و مصلحت‏گذار مذکور شد و با حق حساب مصلحت‏گذار را ملزوم ساختند تا پی امر شده بنویسد و این گفتگوی جزئی را از هم بگذارند مذکور هم بگردن گرفته تعهدها کرد و کاری ندید در همانروزها در باب امری جعفر خان یک غلام سرکار به نزد جنرال‏ مذکور به تفلبس فرستادند که در وقت غلام مذکور را بیک ترکیب بی‏آبرو و بی‏حرمتی از حضور خود بیرون کرده و از شهر هم اخراج حکم کرده است بمرتبهء فرصت ندادند که اسبش را نعل بکند و بآن ترکیب ذلالت بیرون کردند بعد از آن جنرال مذکور گویا در باب مشخص کردن سرحد چند نفری فرستاده و ر آنوقت هم نواب نایب السلطنة العلیه در طرف کنار رودخانهء ارس در شکار تشریف داشتند.

و در همان شکارگاه ینارال مددوف بحضور مبارک مشرف گردید نواب کامکار از حرکتهای بیجا و از رفتارهیا بیرسم جنرال یرملوف بمددوف مزبور اظهار فرمودند و همچنین هم که اگر جنرال یرملوف با چنان حرکتهای خلاف عهدنامه‏ و رفتار خلاف قاعده میخواهد که خدمتی علاوه بسر کار امپراطور روسیه نشان‏ دهد خاطرجمع باشد که ما آن فرصت باو نخواهیم داد اما اگر که بما درست‏ معلوم بشود که امپراطور روسیه چنین جاهائی جزئی از ما خواهش دارند در آن‏ معلوم بشود که امپراطور روسیه چنین جاهائی جزئی از ما خواهش دارند در آن‏ وقت بیش از جاهای دیگر هم بموجب دوستی و یگانگی دولتین علیتین باو پشکش‏ خواهیم کرد و چون فکر جنرال یرملوف پی امر درست کردن بتازگی و در آن‏ خصوص کار باز مثل اول ناتمام ماند و چون خود جنرال مذکور پیشتر باینجانب‏ اظهار کرده بود که آنچه تقریر مزراویچ مصلحت‏گذار ما در آنجا باشد او را مثل تقریر دولت روسیه قبول بکنید در یان باب امنای دولت بمعرفت مصلحت‏گذار مذکور فتحعلی خان بکلر بیکی دار السلطنهء تبریز بایلچیگری مرخص ساخته و میرزا جعفر مهندس‏باشی سرکار و جهان‏نمای سر؟؟؟ و با نوشتجات دوستانه نزد جنرال‏ مذکور به تفلیس روانه نمودند و به بکلر بیکی مزبور چنین اذن هم داده شد که اگر جنرال مذکور باز امر را فیصل ندهد و قطع جواب نکند روانهء در خانهء امپراطوری‏ شود و در آنجا امر را اظهار کرده طی بکند بعد از رسیدن بکلر بیکی مذکور به‏ تفلیس او را بکمال عزت و حرمت قبول کرده بودند و در وقت ملاقات بکلر بیکی مزبور در باب بیشتر امر را به محبت طی کردن بجنرال گفته بود که من ماموریت‏ خود بعهدنامه و این جهان‏نمای سرحدی تسلیم بشما میکنیم تو خودت صلاح هر دو دولت را در نظر داشته امر را هرطوریکه صلاح میدانی بموافق عهدنامه درست‏ بکن که من هم مهر کرده به شما تسلیم نمایم که بالمره دفع فساد و رفع گفتگوی‏ بجا شود جنرال مذکور این جواب را قبول کرده و دست بکار زده بموافق‏ خواهش خود جهان‏نمای تازه سرحدات ساخته و عهدنامهء جدیدی در خصوص‏ سرحدات نوشته که گوئی کوکجهء ایروانرا که بیش از خاک ایران نیست میگفت‏ حالا خاک ایران شدنرا قبول کرده اما درجهایش بسمتی خودشان کشیده است و محال چقندر خاک خودمان که در این نزدیکیها غفلتا ضبط نموده بود بما پس می‏ دهید دایم محالهای دیگر که بیشتر بعد از مصالحه بخلاف عهدنامه ضبط نموده بودند بهیچوجه من الوجوه اشارهء نکرده بود بعد از تمام کردن نقشه بکلر بیکی را طلبیده‏ و نقشهء مذکور را با سایرین پیش او گذاشته گفته بود که من بموافق خواهش این‏ ها را درست کرده چنین طی کردم اما نمیخواهم که شما اینها را در اینجا قبول‏ کرده مهر بکند بسببیکه ممکن است که امنای دولت شما باینمعنی راضی نشوند و ضرری به شما برسد در اینصورت بهترین همه این است که شما با این ترتیب مراجعت‏ نمائید اگر امنای دولت شما همین ترکیب را قبول کردند آنوقت در آنجا مهر کرده و به مهر شاه برسانید تا به شاهمیرخان دیلماج تسلیم نمائید که حال دیلماج‏ مذکور را با شما به تبریز روانه خواهیم کرد

بکلر بیکی مذکور بنابراین که بیشتر امر بلجاجت نیفتد و بآرامی امر مضبوط شود لا بد ؟؟؟ برگشت بدین‏ترکیب برگدانیدن بکلر بیکی را از تفلیس این هم یک‏ ترکیب جدیدی است که با پرده راه ایلچیان دولت ایران را بدرخانهء امپراطور رفتن‏ می‏بندد بعد از ورود بکلر بیکی به تبریز و اظهار شدن گذارش و بامنای این دولت‏ درست مشخص شد که فکر جنرال مذکور امر درست کردن نیست بسببیکه جائیکه‏ بخلاف عهدنامه ضبط کرده‏اند پس میدهد و از طرف دیگر جای جدیدی میخواهد ضبط بکند و اسم جاهای دیگر که پی هم ضبط کردند بمیان نمی‏آرد و راه نمیدهد که امر بامنای دولت روسیه به بطربرخ اظهار شود تا که بموآفق خواهش قدیمی‏ خود روزبروز فساد پرزور شده بجنک و بخونریزی عبث برسد در اینخصوص‏ گفتگوی و مشاورهء کلی میان امنای دولت بمجتهدین ملت شد و تکرار فرستادن‏ بکلر بیکی مذکور را به نزد جنرال مزبور به تفلیس صلاح دانستند